

پیروزی آن نیست که هرگز زمین
نخوری، آنست که بعد از هر زمین
خوردنی برخیزی.

ماهاتما گاندی

بررسی ارتباط بین تمرکز مالکیت بانک با کفایت سرمایه نقدینگی
در بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمدرضا وطن پرست، حسین بهتوئی^۲

چکیده

در این تحقیق اثرات تمرکز مالکیت بر رفتار ریسک پذیری بانکها بررسی می شود. تجزیه و تحلیل ما بر بانکهای پذیرفته در بورس تهران متمرکز است به این دلیل که بانکهای پذیرفته بورس در اجرای استانداردهای بازل و ایجاد درجه بالایی از همگرایی نظارتی بسیار موفق بوده اند. برای دوره سالهای ۱۳۸۹-۱۳۹۲، به بررسی ارتباط بین شدت مالکیت و کفایت سرمایه (بازل II) پرداختیم و متوجه شدیم که افزایشی معادل یک انحراف استاندارد در شدت مالکیت منجر به ۳۲ درصد بهبود در کفایت سرمایه می شود. با انگیزه‌ی ملاحظات سیاست‌های عمومی، ما تأثیر ساختار مالکیت بانک را به عنوان یک مکانیسم دولتی بر کفایت سرمایه و نقدینگی در بانکهای پذیرفته در بورس تجزیه و تحلیل کردیم. نتایج نشان می دهد همانطور که تمرکز مالکیت بالا می رود بانک از نظر سرمایه گذاری و نقدینگی بهبود می یابد. هم تأثیر آماری و هم اقتصادی این امر قابل توجه است. نتایج ما در تکمیل تحقیقات اخیر گزارش شده توسط Vahamaa و Peni (2011) است که در آن مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی عوامل مهمی در توضیح رفتار بانکها و عملکرد آنها در بازار می باشد. همچنین نتایج ما یافته‌های Vauhkonen (2011) را حمایت می کند که معتقد است، نظم و انضباط بازار از طریق تمرکز مالکیت به طور قابل توجهی بر کفایت سرمایه، نقدینگی، ثبات سرمایه تأثیر می گذارد.

واژگان کلیدی

بازل II، مالکیت بانک، کفایت سرمایه، ثبات سرمایه، بحران مالی.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، vatanparast@iaurasht.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، hossein.behtooi@gmail.com

مقدمه

در این تحقیق، ریسک‌پذیری بانکها در یک سطح بنیادی از طریق بررسی تأثیر تمرکز مالکیت بر کفایت سرمایه و نقدینگی الزام بازل II بررسی شده است. برای درک رابطه بین ثبات سرمایه و تمرکز مالکیت، استانداردهای ثبات سرمایه بازل II در یک محیط تجربی فرضی به بانک نمونه اعمال می‌شود. با توجه به فرضیه تحقیق، پرسش اساسی این است: در صورتی که استانداردهای ثبات بازل II در طول دوره زمانی مورد بررسی (۱۳۹۲-۱۳۸۹) به طور واقعی به اجرا در می‌آید، آیا ثبات سرمایه بانکهای نمونه باید تحت تأثیر تمرکز مالکیت قرار می‌گرفت؟

مفهوم بازل

فعالترین نهاد بین‌المللی درگیر نظام بانکی کمیته بازل است. ایجاد کمیته بازل در پاسخ به یک ضرورت جهانی برای همکاری در زمینه‌های نظارت بانکی و از جمله ارائه رهنمود و توصیه‌های نظارتی و ترغیب همگرایی در استفاده از استانداردها و شیوه‌های نظارتی بانکی در کشورهای عضو و دیگر کشورهای غیر عضو به منظور تأمین سلامت و ایمنی بانکها و حفظ استمرار آن مؤثر بوده است (شاهرخی: ۱۳۸۵).

مفهوم بنیادی کفایت سرمایه

سرمایه، رکن مهم پشتوانه مالی هر بانک است که بانک را قادر می‌سازد هنگام رویارویی با مشکلات اقتصادی توانایی بازپرداخت بدهی خود را داشته باشد. همچنین نقش مهمی در ثبات مالی بانکها و انگیزه‌های ریسک‌پذیری آنها ایفا می‌کند. از آنجا که تضمین نگهداری وجوه منابع سرمایه‌ای معتبر موجب کاهش ریسک‌پذیری بانکها می‌گردد، لذا یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی بانکها نسبت کفایت سرمایه است. این نسبت اولین بار در سال ۱۹۸۸م توسط کمیته بازل به بانکهای دنیا معرفی شد. کمیته بازل در آن سال مجموعه‌ای از شروط حداقل سرمایه را به بانکها پیشنهاد کرد که بعدها به پیمان بازل معروف شد (حسینی: ۱۳۸۵).

تعریف کفایت سرمایه

نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه به مجموع دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک برحسب درصد (طبق تعریف ارائه شده در ماده ۵ این آئین‌نامه) می‌باشد.

محاسبه نسبت کفایت سرمایه

جمع اقلام بالای خط و زیر خط که بر اساس ضرایب ریسک موزون شده است، در مخرج کسر نسبت کفایت سرمایه قرار می‌گیرد. صورت کسر نیز بر اساس ضوابط مندرج در «آئین‌نامه مربوط به سرمایه پایه» محاسبه می‌شود. بدین ترتیب:

$$\text{نسبت کفایت سرمایه} = \text{سرمایه پایه} / \text{اقلام بالای خط (ضریب ریسک)} + \text{اقلام زیر خط (ضریب تبدیل) (ضریب ریسک)}$$

بازل I

ظهور بازل I می‌تواند پس از بحران بدهی عدم بازپرداخت مکزیک در سال ۱۹۸۲ بازگردد. اضطراب در مورد سرمایه از میان رفته بانکهای عمده بین‌المللی که در نتیجه ریسک‌هایشان در کشورهای آمریکای لاتین و سایر کشورهای کمتر توسعه یافته و همچنین نگرانی در مورد رقابتهای مساوی که توسعه آن بانکهای ژاپنی و فرانسه از قیمت‌گذاری کمتر از حد واحدهای بین‌المللی به دلیل سرمایه پائینشان منتفع نشده بودند، از منطقهای عمده نهفته در بازل I است (Rosa maria lastva 2004).

بازل II

موافقت تام بازل ۲، یک نوع موافقت‌نامه داوطلبانه بین مقامات بانکی اکثر کشورهای در حال توسعه می‌باشد. این موافقت‌نامه بدین جهت بوجود آمد که بنگاه‌های کوچک و متوسط کشورهای اروپایی به دریافت وام از بانک بسیار وابسته بودند و ضرورت ایجاد می‌کرد تا نحوه اعطای وام از سوی بانک‌ها به موسسات کوچک و بزرگ تغییر یابد تا دسترسی این قبیل مؤسسات به منابع مالی بانک آسان گردد. هدف از این موافقت‌نامه ایمن‌سازی نظام مالی بین‌المللی بود (عطاریان: ۱۳۸۶). بازل II در ژانویه ۲۰۰۱ با انتشار یک طرح، تغییر عمده‌ای در ساختار سرمایه این سازمان به وجود آورد که به نام «توافقات سرمایه جدید بازل II» نامیده می‌شود.

تفاوت بازل I و II

بازل I: ساده و آسان، یک رکن و بیشتر حداقل سرمایه، محاسبه حداقل سرمایه برای ریسک اعتباری و از سال ۱۹۹۶ ریسک بازار و فاقد بحث ریسک عملیاتی.

بازل II: پیچیده و مشکل، دارای سه رکن، همه ریسکها را در نظر می‌گیرد.

تمرکز مالکیت

واژه مالکیت در فرهنگ معین (معین، ۱۳۸۴: ۴۳۵) به معنی "حقی است که انسان نسبت به شئی دارد و می‌تواند هرگونه تصرفی در آن بنماید بجز آنچه که مورد استثنای قانون است". منظور از ساختار مالکیت، مشخص کردن بافت و ترکیب سهامداران یک شرکت و بعضاً مالک عمده نهایی سهام آن شرکت است. بسیاری از نظریه پردازان اقتصادی عقیده دارند که هر یک از انواع مالکیت نیز می‌تواند بر عملکرد شرکتها تأثیرگذار باشد. تمرکز مالکیت به حالتی اطلاق می‌شود که میزان در خور ملاحظه‌ای از سهام شرکت به سهامداران عمده (اکثریت) تعلق داشته باشد و نشان می‌دهد چند درصد سهام شرکت در دست عده محدودی قرار دارد. نتایج تحقیق مهدوی و میدری (۱۳۸۴) حاکی از آن است که تمرکز مالکیت در بازار اوراق بهادار در سال ۱۳۸۴ بسیار بالا بوده است. سهم ۵ سهامدار عمده در شرکتهای فعال در بازار بورس اوراق بهادار تهران بطور متوسط ۷۴ درصد، و سهم ۱۰ سهامدار بزرگ بیش از ۷۹ درصد، و سهم ۲۰ سهامدار بطور متوسط ۸۱/۹ درصد است. براساس شاخص هر فیندال، صنعت ساخت ماشین آلات و براساس سه شاخص دیگر (سهم ۵،۱۰ و ۲۰ سهامدار عمده) صنعت استخراج معدن، دارای بیشترین مقدار تمرکز مالکیت بودند. مهدوی و میدری معتقدند مقایسه شاخص‌های تمرکز مالکیت در بازار ایران و پنج کشور آمریکا، ژاپن، آلمان، چین، و چک نشان می‌دهد که بازار سهام ایران دارای ساختار مالکیتی بسیار متمرکز است. علاوه در ایران نیز همچون کشور چک، تمرکز بیشتر مالکیت با کارایی بیشتر همراه بوده است. بعبارت دیگر کوچک کردن مالکیت تأثیر منفی بر کارایی دارد و بر همین اساس این دو محقق نتیجه گرفته‌اند که با توجه به فقدان نظام حمایتی از سهامداران اقلیت، اجرای طرح واگذاری مالکیت شرکتهای دولتی به عموم (سهام عدالت) می‌تواند به کاهش تولید ناخالص داخلی و حتی توزیع ناعادلانه درآمد منجر شود. بوزک و بوزک (۲۰۰۷) با بررسی ۲۴۴ شرکت پذیرفته شده در بورس کانادا (TSX) به این نتیجه رسیدند که بین تمرکز مالکیت و عملکرد راهبردی شرکت رابطه عکس وجود دارد. کلارک و وجسیک (۲۰۰۵) با بررسی اطلاعات شرکتهای آلمانی متوجه شدند بین تمرکز مالکیت در این شرکتها و بازده سهام رابطه معکوس وجود دارد. البته نتیجه این دو تحقیق کاملاً عکس نتایج تحقیق انجام شده توسط ماه آورپور در ایران است. ماه آورپور با نمونه‌ای ۵۸ تایی به بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در طی سالهای ۱۳۸۳-۱۳۸۰ پرداخت. او به این نتیجه رسید که هرچه تمرکز مالکیت بیشتر باشد، کنترل بیشتری بر مدیران اعمال شده و موجب بهبود عملکرد شرکتها می‌شود و ارتباط بین تمرکز مالکیت و معیار بازدهی بستگی به نوع مالکین و عوامل موثر بر بازدهی دارد. پولسیری (۲۰۰۵) بحث اثر احتمالی تمرکز مالکیت را بر عدم سلامت مالی شرکتها مطرح کرده است. بدنبال این بحث، دینگ، هوآ و جونسکی (۲۰۰۴) با بررسی ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس پکن متوجه شدند ارتباطی بین تمرکز مالکیت و مدیریت سود در این شرکتها وجود ندارد. در حالی که در شرکتهای دولتی ارتباط قوی و U شکلی بین این دو متغیر (تمرکز مالکیت و مدیریت سود) دیده می‌شود. درضمن، شرکتهای بزرگ دولتی تمایل کمتری به مدیریت سود از خود نشان

می‌دهند. با توجه به تحقیق دینگ و همکارانش (۲۰۰۴) به ظرافت می‌توان حدس زد در ارتباط احتمالی بین متغیر تمرکز مالکیت و کیفیت اطلاعات نوعی اثر تعدیل کنندگی از سوی متغیر ساختار مالکیت (از حیث میزان دولتی و خصوصی بودن) وجود دارد.

پیشینه تحقیق

در مقاله معرفی مقررات نظارتی بازل III و ضرورت آن در اقتصاد جهانی نوشته مهرداد سپهوند (۱۳۹۳) بحران مالی سال ۲۰۰۸ از نظر شدت و دامنه خسارتهایی که وارد آورد بی‌گمان پس از رکود بزرگ، مهمترین و دشوارترین بحرانی است که اقتصاد جهانی از سر گذرانده است. برآوردهای کمیته بازل هزینه‌های این بحران را برای اقتصاد جهانی نزدیک به ۱۰۰ درصد کل تولید قبل از بحران تخمین می‌زند. تلاشهای زیادی در زمینه ریشه‌یابی عوامل این بحران انجام گرفته است. این گزارش اما فارغ از دلیل پدیدآورنده این بحران، به دنبال آن است که نشان دهد چرا قواعد و مقررات نظارتی حاکم بر نظامهای بانکی، از شیوع و گسترش دامنه آسیبهای این بحران ناتوان ماندند.

در مقاله اثر ساختار مالکیت بر رفتار احتیاطی بانکها در صنعت بانکداری ایران که توسط دکتر حمید کردبچه و همکارانش (۱۳۸۹) نوشته شده بر رفتار احتیاطی بانکها در صنعت بانکداری کشور و ارتباط آن با ساختار مالکیت به طور خاص و مجموعه ای از عوامل مؤثر بر رفتار احتیاطی به طور عام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. اثر رشد GDP با رابطه‌ای معکوس و اثر ساختار مالکیت، اندازه بانک، نسبت مطالبات معوق به تسهیلات، ساختار تمرکز و بانک دولتی ضریب زمان با رابطه‌ای مستقیم رفتار احتیاطی بانکها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بر این اساس می‌توان گفت در صورتی که مدیریت نظام بانکی کشور به دنبال گسترش رفتار احتیاطی بیشتر در سیستم بانکی باشد لازم است سیستم بانکی به سمت ساختاری با سهم بیشتر بانکهای خصوصی حرکت نماید.

در مقاله بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت در بورس اوراق بهادار رویکرد پانل دیتا توسط محمدنبی شهیکی تاش و همکارانش (۱۳۹۱) یافته‌های تحقیق بر اساس هر دو مدل ارزش افزوده اقتصادی و کیوتوبین نشان می‌دهد که رابطه معنادار و مثبتی بین مالکیت نهادی و عملکرد شرکت و رابطه معنادار و منفی بین مالکیت حقیقی و عملکرد شرکت وجود دارد.

در مقاله بررسی رابطه نسبت کفایت سرمایه با متغیرهای مالی در سیستم بانکی ایران نوشته علی رحمانی و سید علی حیدری (۱۳۸۵) نشان داده می‌شود که بین نسبت کفایت سرمایه و متغیرهای مالی، نسبت ریسک اعتباری، اندازه و نسبت سپرده به تسهیلات رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. همچنین باتوجه به ضرایب تخمینی، مشاهده می‌شود که تأثیر تغییرات میزان نسبت ریسک اعتباری بانکها بر نسبت کفایت سرمایه، کمتر از سایر متغیرهای مالی می‌باشد.

در مقاله بررسی عوامل مؤثر بر نسبت کفایت سرمایه در بانکهای ایران نوشته حمید سپهردوست و همکارانش (۱۳۹۲) نتایج نشان داده که متغیرهای میزان نقدینگی و نرخ بازده دارایی‌ها، اثر مثبت و معنادار و متغیرهای اندازه بانک، سهم تسهیلات اعطایی، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، ذخیره زیان تسهیلات اعطایی و اهرم مالی، رابطه منفی و معنادار با نسبت کفایت سرمایه دارند.

در مقاله کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی نوشته داوود منظور و همکاران (۱۳۸۷) پس از بررسی مبانی نظری کفایت سرمایه و بحثهای مربوط به آن، ماهیت بانکداری اسلامی و اصول حاکم بر آن را مورد مطالعه قرار داده و با استفاده از پژوهش انجام شده به وسیله بانک توسعه اسلامی درباره ریسک عقدهای اسلامی، به مقایسه کفایت سرمایه در دو بانک متعارف و اسلامی پرداخته و نشان داده شده است که با توجه به متفاوت بودن ماهیت بانکداری اسلامی و سازوکار متناظر با آن به نظر می‌رسد تجدیدنظر در بیانیه بازل درباره نسبت کفایت سرمایه بانکداری اسلامی ضروری است.

در مقاله مروری بر رویکردهای جدید نسبت کفایت سرمایه در بانکها نوشته مسعود پهلوان زاده (۱۳۸۶) معیارهای کفایت سرمایه بانکها، روشهای برآورد ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی بانکها، پیش نیازهای لازم در ارزیابی کفایت سرمایه و ضوابط ناظر بر افشای روشهای مربوطه، در ارکان سه‌گانه بیانیه با مقاصد اجرایی طراحی شده است. ضوابط مطرح در بیانیه اولیه سرمایه‌ای کمیته بال در زمینه روشهای محاسبه دارایی‌های موزون ریسکی گسترش یافته و تا حد امکان انعطاف پذیرتر شده است. لذا در سایه این انعطاف پذیری و همراه با معرفی رویکردهای گوناگون برای محاسبه دارایی‌های ریسکی، دست بانکها در

انتخاب مناسبترین گزینه برای دست یافتن به حداقل معیارهای مورد نظر کمیته بال، بازتر شده است. فرضیه اصلی این پژوهش بیانگر رابطه تمرکز مالکیت با کفایت سرمایه و رابطه تمرکز مالکیت با ثبات سرمایه در بانکهای نمونه می‌باشد.

رگرسیون زیر مدل آزمون فرضیات می‌باشد که:

$$i_{t+1} = \beta_0 + \beta_1 (\text{تمرکز مالکیت})_{i,t} + \beta_2 (\text{Ln (دارایی های کل)})_{i,t} + \beta_3 (\text{اهرم})_{i,t} + \beta_4 (\text{رشد درآمد})_{i,t} + \beta_5 (\text{نسبت نقدینگی})_{i,t} + \beta_6 (\text{نسبت وام به سپرده})_{i,t} + \beta_7 (\text{نوسانات سهام})_{i,t} + \beta_8 (\text{سپرده ها})_{i,t} + \beta_9 \text{Log (تولید ناخالصی داخلی)}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، با توجه به سه شاخص معرف متغیر ریسک بانک به عنوان متغیر وابسته تحقیق (کفایت سرمایه، نسبت نقدینگی، نسبت وام به سپرده)، مدل اصلی فوق به ۳ مدل قابل تفکیک می‌باشد بنابراین بدین منظور تأثیر تمرکز مالکیت بانک بر سه شاخص مالی مذکور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مدل ۱:

$$i_{t+1} = \beta_0 + \beta_1 (\text{تمرکز مالکیت})_{i,t} + \beta_2 (\text{Ln (دارایی های کل)})_{i,t} + \beta_3 (\text{اهرم})_{i,t} + \beta_4 (\text{رشد درآمد})_{i,t} + \beta_5 (\text{نسبت نقدینگی})_{i,t} + \beta_6 (\text{نسبت وام به سپرده})_{i,t} + \beta_7 (\text{نوسانات سهام})_{i,t} + \beta_8 (\text{سپرده ها})_{i,t} + \beta_9 \text{Log (تولید ناخالصی داخلی)}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل ۲:

$$i_{t+1} = \beta_0 + \beta_1 (\text{تمرکز مالکیت})_{i,t} + \beta_2 (\text{Ln (دارایی های کل)})_{i,t} + \beta_3 (\text{اهرم})_{i,t} + \beta_4 (\text{رشد درآمد})_{i,t} + \beta_5 (\text{نسبت نقدینگی})_{i,t} + \beta_6 (\text{نسبت وام به سپرده})_{i,t} + \beta_7 (\text{نوسانات سهام})_{i,t} + \beta_8 (\text{سپرده ها})_{i,t} + \beta_9 \text{Log (تولید ناخالصی داخلی)}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل ۳:

$$i_{t+1} = \beta_0 + \beta_1 (\text{تمرکز مالکیت})_{i,t} + \beta_2 (\text{Ln (دارایی های کل)})_{i,t} + \beta_3 (\text{اهرم})_{i,t} + \beta_4 (\text{رشد درآمد})_{i,t} + \beta_5 (\text{نسبت وام به سپرده})_{i,t} + \beta_6 (\text{نسبت وام به سپرده})_{i,t} + \beta_7 (\text{نوسانات سهام})_{i,t} + \beta_8 (\text{سپرده ها})_{i,t} + \beta_9 \text{Log (تولید ناخالصی داخلی)}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

بر اساس مطالب بیان شده، فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

فرضیه اصلی اول: بین تمرکز مالکیت و نسبت کفایت سرمایه در بانکها رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: بین تمرکز مالکیت و نقدینگی در بانکها ارتباط معنادار وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین تمرکز مالکیت و وضعیت وام به سپرده در بانکها ارتباط معنادار وجود دارد.

جدول زیر نتایج حاصل از برآورد مدل مذکور را با استفاده از نرم افزار Eviews7 نشان می‌دهد:

همانگونه که نتایج مندرج در جدول ۱ نشان می‌دهد، P-value محاسبه شده برای متغیر مستقل تمرکز مالکیت (OC)، کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده آن متغیر منفی می‌باشد. در نتیجه می‌توان اظهار داشت که تمرکز مالکیت با کفایت سرمایه رابطه معکوس و معناداری دارد؛ به طوریکه با افزایش این متغیر در سازمان، کفایت سرمایه کاهش می‌یابد.

همچنین ضریب تعیین این مدل تقریباً ۳۲ صدم است. این عدد نشان می‌دهد که ۳۲ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل تبیین است و از آنجائیکه آمار دوربین و اتسون این مدل نزدیک به ۲ است (۱/۹۴)، می‌توان گفت که در این مدل خودهمبستگی مرتبه اول وجود ندارد (تأیید یکی از مفروضات رگرسیون).

به علاوه نتایج مندرج در جدول ۱ نشان می‌دهد که p-value آزمون F کوچکتر از ۵ درصد است و از آنجائیکه، آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت این مدل با احتمال ۹۵ درصد معنی دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. بنابراین با توجه به نتایج مندرج در جدول ۱ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه اول اصلی این پژوهش رد نخواهد شد. همچنین بین متغیرهای کنترلی، تمامی متغیرها به جز متغیر کیوتوبین، رابطه معنی دار با متغیر کفایت سرمایه دارد.

به منظور برازش بهتر مدل، پس از حذف متغیر کنترلی کیوتوبین، مدل فوق مجدداً تخمین زده می‌شود که نتایج برآورد مجدد به شرح زیر می‌باشد.

(جدول ۱) بررسی رابطه تمرکز مالکیت با کفایت سرمایه

(متغیر وابسته: کفایت سرمایه - CAR)				
متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	t آماره	P-value
عرض از مبدا	۴۴/۹۵	۳/۸۵	۱۱/۶۷	۰/۰۰۰
تمرکز مالکیت	-۰/۱۳۴	۰/۰۱۱	-۱۱/۴۶	۰/۰۰۰
کل دارایی‌ها	-۰/۶۲	۰/۲۲	-۲/۷۵	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۳۵	۰/۰۴۶	-۷/۵۹	۰/۰۰۰
رشد درآمد	۴/۳۴۷	۰/۳۵	۱۲/۳۶	۰/۰۰۰
وام از دست رفته	۱/۳۰۱	۰/۰۷۲	۱۶/۵۷	۰/۰۰۰
نوسانات سهام	-۰/۲۹	۰/۰۳۹	-۷/۲۸	۰/۰۰۰
سپرده‌ها	-۱/۳۵	۰/۰۹۸	-۱۳/۷۷	۰/۰۰۰
تولید	۰/۴۲۲	۰/۱۳۶	۳/۱۱	۰/۰۰۰
ضریب تعیین		ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۴۱		
آماره دوربین واتسون		آماره F ۲۹۳/۸۰۱		
۱/۶۴		احتمال آماره F ۰/۰۰۰		

حال مدل ۲ به منظور بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و نسبت نقدینگی برآورد می‌گردد؛ همانگونه که نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد، P-value (احتمال آماره F) محاسبه شده برای متغیر مستقل تمرکز مالکیت (OC)، کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده‌ی آن متغیر مثبت می‌باشد. در نتیجه می‌توان اظهار داشت که تمرکز مالکیت با نقدینگی رابطه مستقیم و معنی‌داری دارد؛ به طوریکه با افزایش این متغیر در سازمان، نقدینگی افزایش می‌یابد. همچنین ضریب تعیین این مدل تقریباً ۲۸ صدم است. این عدد نشان می‌دهد که ۲۸ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل تبیین است و از آنجائیکه آماره دوربین واتسون این مدل نزدیک به ۲ است (۲/۰۴)، می‌توان گفت که در این مدل خودهمبستگی مرتبه اول وجود ندارد (تأیید یکی از مفروضات رگرسیون).

به علاوه نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که p-value (احتمال آماره F) آزمون F کوچکتر از ۵ درصد است و از آنجائیکه، آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت این مدل با احتمال ۹۵ درصد معنی‌دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. بنابراین با توجه به نتایج مندرج در جدول ۳ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه فرعی اول این پژوهش پذیرفته خواهد شد. بین متغیرهای کنترلی تمامی متغیرها به جز متغیر نوسانات سهام رابطه معنی‌دار با متغیر وابسته (نسبت نقدینگی) دارد. به منظور برازش بهتر مدل، پس از حذف متغیر کنترلی نوسانات سهام، مدل فوق مجدداً تخمین زده می‌شود که نتایج برآورد مجدد به شرح زیر می‌باشد.

(جدول ۲) بررسی بررسی رابطه تمرکز مالکیت با نقدینگی

متغیر وابسته: نقدینگی (LCR)				
متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	t آماره	P-value
عرض از مبدا	-۰/۱۹	۰/۲۹	-۷/۳۴	۰/۰۰۰
تمرکز مالکیت	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰۳	۱۴/۷۹	۰/۰۰۰
کل دارایی ها	۰/۰۳۸	۰/۰۰۰۸	۴/۳۶	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۳۷	۰/۰۰۰۳	۱۰/۷۴	۰/۰۰۰
رشد درآمد	۰/۰۸۹	۰/۰۰۱۱	۷/۴۹	۰/۰۰۰
وام از دست رفته	-۰/۰۱۷	۰/۰۰۰۲	-۶/۰۰۶	۰/۰۰۰
کیوتوبین	۱/۸۱	۰/۱۱	۱۶/۴۷	۰/۰۰۰
سپرده ها	-۰/۰۳	۰/۰۰۰۴	-۸/۳۲	۰/۰۰۰
تولید	۰/۰۴۶	۰/۰۰۲۶	۳/۷۱	۰/۰۰۰
ضریب تعیین ۰/۲۸۵			ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۷۷	
آماره دوربین واتسون	۲/۱۸	F۱۰۲/۴۴۳ آماره		F۰/۰۰۰ احتمال آماره

به منظور بررسی رابطه تمرکز مالکیت با نسبت وام به سپرده، مدل سوم برآورد می‌گردد. همانگونه که نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد، P-value محاسبه شده برای متغیر مستقل تمرکز مالکیت (OC)، کمتر از سطح خطای ۵ درصد می‌باشد همچنین ضریب این متغیر مثبت می‌باشد، در نتیجه می‌توان اظهار داشت که تمرکز مالکیت با نسبت وام به سپرده رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. همچنین ضریب تعیین این مدل تقریباً ۲۸ صدم است. این عدد نشان می‌دهد که ۲۸ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل تبیین است و از آنجائیکه آماره دوربین واتسون این مدل بین ۱/۵ و ۲/۵ است (۱/۹۲)، می‌توان گفت که در این مدل خودهمبستگی مرتبه اول وجود ندارد (تأیید یکی از مفروضات رگرسیون). همچنین بین متغیرهای کنترلی، تمام متغیرها به جز کیوتوبین و وام از دست رفته، رابطه معنی‌دار با متغیر وابسته دارند.

به علاوه نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد که p-value آزمون F کوچکتر از ۵ درصد است و از آنجائیکه، آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت این مدل با احتمال ۹۵ صدم معنی‌دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. بنابراین با توجه به نتایج مندرج در جدول ۵ و در سطح اطمینان ۹۵ صدم، فرضیه دوم فرعی این پژوهش رد نخواهد شد. به منظور برآزش بهتر مدل، پس از حذف متغیرهای کنترلی غیرمعنی‌دار (وام از دست رفته و کیوتوبین)، مدل مجدد تخمین زده می‌شود که نتایج برآورد مجدد به شرح زیر می‌باشد.

(جدول ۳) بررسی رابطه تمرکز مالکیت با نسبت وام به سپرده

متغیر وابسته: نسبت وام به سپرده (vams)				
متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	t آماره	P-value
عرض از مبدا	۰/۸۳	۰/۰۶۵	۱۲/۶۸	۰/۰۰۰
تمرکز مالکیت	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۲	۲/۷۴	۰/۰۰۶۲
کل دارایی ها	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۰۳	-۵/۰۱	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۹۷/۰۰	۰/۰۰۰۷	۹/۸۰۱	۰/۰۰۰
رشد درآمد	-۰/۰۵۱	۰/۰۰۰۵	-۹/۶۲	۰/۰۰۰
نوسانات سهام	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰۶	۶/۳۹	۰/۰۰۰
سپرده ها	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰۱	۲/۵۲	۰/۰۱۱۹
تولید	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰۱	۵/۹۳۳	۰/۰۰۰
ضریب تعیین ۰/۲۷۹			ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۷۴	
آماره دوربین واتسون	۱/۹۳	F۵۱/۲۱۷ آماره		F۰/۰۰۰ احتمال آماره

مدل ۱ دارای CAR طبق بازل II است که به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود. تمرکز مالکیت با ضریب مثبت و معنی‌داری وارد می‌شود. این ضریب نشان می‌دهد که بانک‌ها با مالکیت متمرکزتر از سرمایه قابل توجه بیشتری نگهداری می‌کنند. از لحاظ اهمیت اقتصادی، افزایش یک انحراف معیار استاندارد در تمرکز مالکیت با بالا رفتن سرمایه‌ها در حد 0.0111 یا 7.75 درصد از متوسط CAR متناسب است.

در مدل ۲ ما از نسبت نقدینگی به عنوان متغیر وابسته استفاده می‌کنیم. ضریب مثبت و معنادار تمرکز مالکیت نشان می‌دهد که مالکیت متمرکزتر نقدینگی بانک را افزایش می‌دهد. با توجه به اهمیت اقتصادی، افزایش در شدت مالکیت در حد یک انحراف معیار استاندارد منجر در بهبود نقدینگی بانک‌ها با نسبت نقدینگی متوسط 0.0380 و 19.65 صدم می‌شود.

مدل ۳ از نسبت وام به سپرده به عنوان متغیر وابسته استفاده می‌کند. هرچند تمرکز مالکیت ضریب قابل توجهی را در مدل ۳ نشان نمی‌دهد. در نهایت، ما برای ثبات سرمایه از محاسبه NSFR به عنوان شاخص استفاده می‌کنیم و آن را در مدل ۴ به عنوان متغیر وابسته در نظر می‌گیریم. ضریب تمرکز مالکیت یک ضریب معنی‌دار نیست و اگر در دوره نمونه ما اجرا شود، شرایط لازم برای ثبات سرمایه بر اساس بازل III تحت تأثیر تمرکز مالکیت قرار نمی‌گیرد. همگام با تحقیقات موجود، رگرسیون ما 28.47 صدم و 45.09 صدم در تغییرات متغیرهای وابسته را توضیح دهد.

نتایج اندکی در متغیرهای کنترل، قابل توجه هستند. اول، تولید ناخالص داخلی سرانه GDP، که نشان دهنده میزان توسعه اقتصادی است، ضریب منفی و معنی‌داری را در مدل ۳ نشان می‌دهد. بانک‌ها در کشورهای با توسعه اقتصادی بهتر، به طور قابل توجهی از وام کمتر به عنوان درصدی از سپرده استفاده می‌کنند.

جدول ۴) نتایج کلی برآورد مدل‌های آزمون فرضیات

متغیر	کفایت سرمایه	نسبت نقدینگی	نسبت وام به سپرده
تمرکز مالکیت	رابطه منفی و معنی‌دار	رابطه مثبت و معنی‌دار	رابطه مثبت و معنی‌دار

نتیجه‌گیری

با این حال، یک سناریوی متفاوت به همان اندازه قابل قبول می‌تواند وجود داشته باشد که در آن مالکیت تمرکز و ریسک‌پذیری، دارای همبستگی منفی می‌شوند. در این سناریو، سهامداران بزرگ و قدرتمند ممکن است به منظور افزایش عملکرد در کوتاه مدت و با بازده خاص‌تر، بر مدیریت فشار اعمال کنند. این فشار می‌تواند ابتکار مدیریتی را به دنبال فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز محدود کند (بورکارت و همکاران، ۱۹۷۷). این نقطه نظر ریسک‌پذیری کمتر مدیران و ثبات سرمایه را هنگامی که شدت سهامداران مالکیت بالا است، پیش‌بینی می‌کند. در اینجا، در حالی که تمرکز مالکیت بالا منافع سهامداران را با مدیرانی هم‌راستا می‌کند، اما هیچ تضمینی به بازگشت سهامداران بهتر وجود ندارد. در واقع شواهد بدست آمده توسط Fahlenbrach و Stulz (2011) اشاره به عکس مطلب دارد. Fahlenbrach و Stulz (2011) بیان می‌کنند: "شواهدی وجود دارد که بانک‌های دارای مدیران اجرائی مشوق و همسو با منافع سهامداران، عملکرد بدتری داشته‌اند و هیچکدام از آنها بهتر عمل نکرده‌اند." بنابراین، به نظر می‌رسد از قبل هیچ موضع نظری وجود نداشته که بتواند یک وجود یک رابطه منحصر به فرد بین تمرکز مالکیت و رفتار ریسک‌پذیری بانک و البته پیامدهای اجرای آن را پیش‌بینی کند. در این صورت تجزیه و تحلیل رابطه بیش از یک سوال تجربی است. در مورد تعدادی از عوامل خاص بانکی و فاکتورهای خاص کشوری کنترل اعمال کردیم. همانطور که در مقاله Laeven و لویین (۲۰۰۹) موجود است، تمرکز مالکیت بر مبنای حقوق جریان نقدی بزرگترین سهامدار اندازه‌گیری می‌شود.

(جدول ۵) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل های تحقیق

متغیر/آماره	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	آماره جارکبرا	احتمال آماره جارک برا
کفایت سرمایه	۱۶/۸۷	۱۱/۴۸	۱۱۲/۱۸	۳/۸۲	۱۸/۷۱	۳/۶۰	۱۶/۸۲	۸۰۹۷/۳	۰/۰۰۰
نقدینگی	۱/۰۱	۰/۹۶	۱/۷۰	۰/۸۶	۰/۱۲۲	۲/۵۸	۸/۵۶	۲۸/۷۹	۰/۰۰۰
نسبت وام به سپرده	۰/۷۵	۰/۸۰	۱/۱۸	۰/۰۲۰	۰/۱۹۸	-۱/۱۱	۵/۵۶	۳۸۴/۹۹	۰/۰۰۰
تمرکز مالکیت	۴۷/۰۳	۴۱/۴۸	۱۰۰/۰۰	۰/۰۰	۳۲/۵۳	۰/۰۶	۱/۵۳	۷۱/۷۷	۰/۰۶۲
کل دارایی ها	۱۸/۰۶	۱۸/۶۱	۲۱/۰۳	۱۳/۰۳	۲/۰۴	-۰/۸۵	۲/۹۰	۹۷/۰۴	۰/۰۵۶۳
اهرم مالی	۱۱/۸۵	۹/۹۰	۴۲/۸۲	۰/۰۲	۹/۵۹	۱/۴۱	۵/۲۴	۴۳۳/۴۶	۰/۰۰۰
رشد درآمد	-۰/۶۵	-۰/۷۰	۵/۱۸	-۲/۹۶	۱/۳۵	۲/۱۹	۱۱/۳۶	۲۹۷۳/۸	۰/۰۰۰
وام از دست رفته	۷/۸۵	۵/۷۶	۳۲/۶۵	۱/۵۷	۶/۳۲	۱/۸۷	۶/۸۷	۷۶/۵۵	۰/۱۲۱
تولید ناخالص داخلی	۶/۸۲	۶/۸۵	۶/۹۷	۶/۶۷	۰/۱۰۶	-۰/۲۲	۱/۸۹	۳/۲۰۳	۰/۲۰۱
کیو توبین	۱/۲۴	۱/۱۱	۲/۹۰	۱/۰۱	۰/۴۰	۳/۰۴	۱۱/۴۲	۳۵۶۷/۲	۰/۰۰۰
نوسانات سهام	۲۴/۳۸	۲۵/۵۹	۵۱/۲	۷/۵۹	۹/۲۶	۰/۱۶	۳/۰۰۵	۳/۶۹۵	۰/۱۵۷۶
سپرده ها	۴/۳۱	۲/۳۴	۱۶/۶۳	۰/۰۲۰	۴/۳۲	۱/۲۵	۳/۵۹	۲۲۰/۲۵	۰/۰۰۰
تعداد نمونه	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶
تعداد مشاهدات	۶۴	۶۴	۶۴	۶۴	۶۴	۶۴	۶۴	۶۴	۶۴

جدول ۵ خلاصه آمارها را نشان می‌دهد. میانگین شدت مالکیت $۴۷/۰۳$ (میانه $۴۱/۴۸$) بالاتر از گزارش‌های Laeven و لوین (۲۰۰۹) است. بنابراین، مالکیت بانک در ایران متمرکزتر است. میانگین نسبت کفایت سرمایه (CAR) $۱۶/۸۷$ (میانه $۱۱/۴۸$) است. با توجه به اینکه این مقدار کمی بالاتر از متوسط گزارش شده توسط Shehzad و همکارانش (۲۰۱۰) است، به نظر می‌رسد که بانک‌های ایران، به طور متوسط، سرمایه بیشتری را نگه می‌دارند. نسبت نقدینگی به طور متوسط $۱/۰۱$ (میانه $۰/۹۶$) است، در حالی که به طور متوسط نسبت وام به سپرده $۰/۷۵$ (میانه $۰/۸۰$) می‌باشد.

نسبت‌های اهرمی که بدهی تقسیم بر حقوق صاحبان سهام است، به طور متوسط $۱۱/۸۵$ (میانه $۹/۹۰$) است. متوسط از دست دادن وام $۷/۸۵$ (میانه $۵/۷۶$) است که پایین‌تر از متوسط گزارش شده در Laeven و لوین (۲۰۰۹) می‌باشد. به نظر می‌رسد بانک‌های ایران به طور متوسط از دست دادن وام‌های پایین‌تری را داشته باشند. کیوتوبین به طور متوسط $۱/۲۴$ (میانه $۱/۱۱$) است. نوسانات حقوق صاحبان سهام به طور متوسط $۲۴/۳۸$ (میانه $۲۵/۵۹$) است. متوسط رشد درآمد نمونه $-۰/۶۵$ (میانه $-۰/۷۰$) پایین‌تر از رشد متوسط گزارش شده توسط Laeven و لوین (۲۰۰۹) است. همانطور که از اقتصاد ایران به سرعت در حال رشد انتظار می‌رود، بانک‌های ایران در مقایسه با بانک‌های غربی، نرخ رشد کندتری را تجربه می‌کنند. متوسط سپرده $۴/۳۱$ (میانه $۲/۳۴$) است.

در تحقیق ما اثر ساختار مالکیت، اندازه بانک، نسبت وام به سپرده و ساختار تمرکز با رابطه‌ای مستقیم رفتار احتیاطی بانکها را تحت تأثیر قرار می‌دهند که همراستای تحقیق حمید کردبچه و همکارانش (۱۳۸۹) می‌باشد بر این اساس می‌توان گفت در صورتی که مدیریت نظام بانکی کشور به دنبال گسترش رفتار احتیاطی بیشتر در سیستم بانکی باشد لازم است سیستم بانکی به سمت ساختاری با سهم بیشتر بانکهای خصوصی حرکت نماید. همچنین مشاهده شده که افزایش تعداد بانکها و کاهش شاخص تمرکز سیستم بانکی منجر به کاهش رفتار احتیاطی و افزایش ریسک عملیات بانکها خواهد شد. لذا در صورتی که هدف مدیریت نظام بانکی کشور کاهش ریسک عملیات بانکها باشد لازم است سیاستهای متوازن و مناسبی برای جلوگیری از اثر کاهش تمرکز بر ریسک عملیاتی بانکی اعمال گردد.

یافته‌های تحقیق در مورد تمرکز مالکیت که بیانگر درصد سهام بزرگترین سهامدار بانک می‌باشد رابطه معنادار و منفی با عملکرد بانکها وجود دارد که در واقع شواهد بدست آمده توسط محمدنبی شهیکی تاش و همکارانش (۱۳۹۱) اشاره به عکس مطلب دارد. در ادامه بین نسبت کفایت سرمایه و متغیرهای مالی، نسبت ریسک اعتباری، اندازه و نسبت سپرده به تسهیلات رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. شواهد بدست آمده توسط علی رحمانی و سید علی حیدری (۱۳۸۵) اشاره به همسویی مطلب دارد. همچنین

باتوجه به ضرایب تخمینی، مشاهده می‌شود که تأثیر تغییرات میزان نسبت ریسک اعتباری بانکها بر نسبت کفایت سرمایه، بیشتر از سایر متغیرهای مالی می‌باشد.

نتایج نشان داده که متغیرهای میزان نقدینگی، وام از دست رفته، تولید ناخالص داخلی و رشد درآمد، اثر مثبت و معنادار و متغیرهای تمرکز مالکیت، کل دارایی‌ها، سپرده‌ها و اهرم مالی، رابطه منفی و معنادار با نسبت کفایت سرمایه دارند. در حالی که وجود رابطه معنادار بین متغیر نوسانات سهام و نسبت کفایت سرمایه تأیید نشده است که با نتایج مقاله حمید سپهردوست و همکارانش (۱۳۹۲) همسو می‌باشد.

معیارهای کفایت سرمایه بانکها، روشهای برآورد ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی بانکها، پیش نیازهای لازم در ارزیابی کفایت سرمایه و ضوابط ناظر بر افشای روشهای مربوطه، در ارکان سه‌گانه بیانییه با مقاصد اجرایی طراحی شده است. ضوابط مطرح در بیانییه اولیه سرمایه‌ای کمیته بال در زمینه روشهای محاسبه دارایی‌های موزون ریسکی گسترش یافته و تا حد امکان انعطاف پذیرتر شده است که در مقاله مسعود پهلوان زاده (۱۳۸۶) نیز تأیید شده است. در مقاله Benjamin C Esty در 12 June 1997 این یافته موافق با این فرضیه است که مسئولیت بدهی سختگیرانه، ریسک‌پذیری تجاری بانک را سست می‌کند. این یافته‌ها، آموزه‌هایی برای سیاست‌های قوانین جاری بانک دارد و نشان می‌دهد که شکل تابع عایدات شاکیان باقیمانده، تأثیر زیادی بر طرحهای انگیزشی مدیریتی و عملکرد موسسه دارد.

در بررسی روابط بین ریسک‌پذیری، ساختار مالکیت و مقررات، نتایج نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت بالاتر ریسک‌پذیری را افزایش می‌دهد. بانکهایی که در آنها مالکیت مورد تمرکز بیشتری است، میل زیادتری به اتخاذ ریسک نشان می‌دهند همسوی مقاله Chalermchatvichien Pichaphop و همکاران (۲۰۱۴) و همچنین در مقاله Luc Laeven در سال ۲۰۰۷ می‌باشد. در رابطه بین اندازه بانک و نوسانات درآمد بانک در صنعت بانکداری نتایج بدست آمده نشان می‌دهد بانکهای بزرگتر در مقایسه با بانکهای کوچکتر نوسان درآمد کمتری دارند. همانطور که در مقاله Jakob De Haan و همکارانش (۲۰۱۱) موجود است، این رابطه معکوس در بحران مالی اخیر حتی شدیدتر شده است.

در ارتباط حاکمیت شرکتی و عملکرد بانک در طول بحران مالی ظاهراً بانکها با مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی قوی‌تر، سوددهی بالاتری در سال ۱۳۹۱ داشتند، که این موضوع نشانگر آن است که حاکمیت خوب ممکن است تأثیر منفی بحران مالی بر عملکرد مالی را تعدیل کند. همانطور که در مقاله Sami Vähämaa و همکارانش (۲۰۰۹) موجود است نتایج نشان می‌دهد که اقدامات حاکمیت شرکتی قوی ممکن است اثرات منفی بر ارزش بازار سهام بانک در طول بحران داشته باشد، چنانکه بانکهای با حاکمیت قوی‌تر با کیوتویی‌ها و بازده سهام پایین در میان بحران همراه است. به علاوه حقوق جریان نقدی بزرگتر از طریق کنترل ارزش گذاری تقویت شده مالک و قوانین مقتدرانه حفاظت از سهامداران، ارزش گذاری را افزایش می‌دهد و حقوق جریان نقدی بزرگتر، اثرات مضر قوانین ضعیف حفاظت از سهامداران را بر ارزش گذاری تخفیف می‌دهد. با این نتایج با مقاله Gerard Caprio در سال ۲۰۰۷ همسو و می‌توان گفت، ساختار مالکیت، مکانسیم با اهمیتی در نظارت بانکی است. با بررسی هیأت مدیره قوی، ریسک‌پذیری بانک و ارتباط بین ساختار هیأت مدیره و ریسک‌پذیری بانک به این نتیجه رسیده که وجود هیأت مدیره قوی در بانک (زیرا هیأت مدیره بازتابی از شاخص سهامداران است)، خصوصاً هیأت مدیره کوچک و با سختگیری کمتر، تأثیر مثبتی در ریسک‌پذیری بانک دارد. که با یافته های Shams Pathan در سال ۲۰۰۹ همسو می‌باشد.

به بررسی که مالکیت متمرکز (تحت حفاظت سطوح مختلف صاحبان سهام)، مشروط به کنترل سرپرستی و حقوق حفاظتی سهامداران، نسبت وامهای به اجرا گذاشته نشده بانک را به طور قابل توجهی کاهش می‌دهد. به علاوه، تمرکز سهامداران در صورت حفاظت از سهامداران، بر نسبت کفایت سرمایه تأثیر مثبت دارد. در سطوح پایین‌تر از حقوق حفاظتی سهامداران و کنترل سرپرستی، تمرکز مالکیت، ریسک‌پذیری بانک را کاهش می‌دهد که با یافته های Choudhry Tanveer Shehzad در سال ۲۰۱۰ همسو می‌باشد.

با توجه به درگیری‌های سازمان، رفتار ریسک‌پذیری بانک‌ها بستگی به توازن قدرت بین مدیریت و سهامداران دارد. انتظار می‌رود مکانیسم‌های حاکمیت موثر، توازن مطلوبی را به شیوه‌ای پیاده کند که همسویی مدیریت و سهامداران را تضمین می‌کند و برای سهامداران انگیزه ایجاد می‌کند که به دنبال فرصت‌های ریسک‌آمیز باشند. با توجه به سرمایه‌های انسانی گوناگون آنها، مدیریت انگیزه‌ای برای پایین نگه داشتن سطح خطر دارد. در طیفی از سطوح تمرکز مالکیت پایین که در آن قدرت مالکیت سهامداران کم است، مدیران سطح خطر را پایین و ثبات سرمایه را بالا نگه می‌دارند. به هر حال در این محدوده‌ی تمرکز مالکیت کم، همانطور که دارندگان مالکیت بیشتر می‌شوند و سهامداران قدرت بیشتری را بدست می‌آورند، آنها مدیریت را برای پذیرش سطح خطر بیشتر، تحت فشار قرار می‌دهند. بنابراین، زیر یک آستانه از مالکیت متمرکز، انتظار می‌رود ثبات سرمایه با افزایش تمرکز مالکیت پایین رود، در نتیجه، منجر به رابطه منفی میان این دو می‌شود. هرچند پس از یک آستانه مشخص از تمرکز مالکیت، همانطور که تمرکز مالکیت افزایش می‌یابد، انگیزه سهامداران نسبت به محدود کردن خطرات و حفظ سطح مناسب از ثبات سرمایه تغییر می‌یابد. بنابراین، فراتر از آن آستانه، در سطوح افزایش یابد. بنابراین، انتظار رابطه U شکل بین تمرکز مالکیت و ثبات سرمایه قابل قبول است.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ۱ - ارجمند نژاد، عبدالمهدی «بهبود شفافیت در بانک»، ۱۳۸۵.
- ۲ - بی نا «آئین نامه کفایت سرمایه» مصوب یکپهزار و چهاردهمین جلسه شورای محترم پول و اعتبار، ۱۳۸۲/۱۱/۲۵.
- ۳ - بی نا «آئین نامه مربوط به سرمایه پایه بانکها و موسسات اعتباری» مصوب یکپهزار و سیزدهمین جلسه شورای محترم پول و اعتبار، ۱۳۸۲/۱۰/۲۷.
- ۴ - بی نا «بانکداری ایران در افق ۱۴۰۴»، ۱۳۸۶/۰۶/۱۱.
- ۵ - بی نا، مرتضی، روزنامه دنیای اقتصاد - شماره ۳۳۸۱، ۱۳۹۳/۱۰/۰۹.
- ۶ - پهلوان زاده، مسعود «مروری بر رویکردهای جدید نسبت کفایت سرمایه در بانکها (بر اساس بیانیه دوم کمیته مقررات و نظارت بانکی بازل)»، ۱۳۸۶.
- ۷ - حسینی، علی، کمیته بازل چیست، روزنامه آفتاب، ۱۳۸۵/۰۶/۲۶.
- ۸ - رحمانی، علی ° حسینی، سمیه «بررسی شفافیت صورتهای مالی بانکها ضرورت نظارت بر بانکها و موسسات مالی»، ۱۳۹۱.
- ۹ ° رحمانی، علی - حیدری، علی «بررسی رابطه نسبت کفایت سرمایه با متغیرهای مالی در سیستم بانکی ایران»، ۱۳۸۵.
- ۱۰ - سیاح، سجاد- بیک محمدی، جبران «آشنایی با مقررات بال ۲»، ماهنامه الکترونیکی بانک مسکن شماره ۹۶ سال ۱۳۷۸/۱۰/۱۵.
- ۱۱ - سپهر دوست، حمید «بررسی عوامل مؤثر بر نسبت کفایت سرمایه در بانکهای ایران»، بی جا، ۱۳۹۲.
- ۱۲ - سپهوند، مهرداد «مقررات نظارتی بال ۳ و ضرورت آن در اقتصاد جهانی»، ۱۳۹۳/۰۲/۰۱.
- ۱۳ - شاهرخ، غلامرضا «کمیته بازل»، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۷۰، صفحه ۴۸ و ۴۹، خرداد ۱۳۸۵.
- ۱۴ - شهیکئی تاش، محمدنبی «بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت در بورس اوراق بهادار تهران: رویکرد پانل دیتا»، ۱۳۹۱.
- ۱۵ - صدری، نفیسه «جایگاه ریسک در بانکها»، مجله حسابداری و حسابرسی شماره ۱۵۶۱، صفحه ۱۲، ۸۷/۴/۱۲.
- ۱۶ - صدری، نفیسه «جایگاه مدیریت ریسک در بانکداری»، روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۳۶۱، صفحه ۱۲، ۸۷/۴/۱۳.
- ۱۷ - عطاریان، امیر «ارتقاء رقابت صادراتی بنگاه های کوچک و متوسط»، مجله بررسی بازرگانی، شماره ۲۷، بهمن و اسفند ۱۳۸۶.
- ۱۸ ° کرد بچه، حمید «تأثیر ساختار مالکیت بر رفتار احتیاطی بانکها در صنعت بانکداری ایران»، بی جا، ۱۳۸۹.
- ۱۹ ° منظور، داوود «کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی»، بی جا، ۱۳۸۷.
- ۲۰ - مهدوی، ابوالقاسم-میدری، احمد «ساختار مالکیت و کارایی شرکتهای فعال در بازار اوراق بهادار تهران»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۱، زمستان ۱۳۸۴.
- ۲۱ ° نوری، پیمان «بررسی نقش بحرانهای مالی بر شاخصهای کلیدی بانکها»، بی جا، ۱۳۸۰.

ب) منابع انگلیسی

- 1-About the bazel committee available at : [www. Bis.org](http://www.Bis.org)
- 2-History of the Bazel committee and its membership, available at : www.bis.org
- 3-progress on Basel II implementation, availbel at: www.bis.org
- 4-Rose maria Roldun "Basel II ° an opportunity for convergence in the Eu, p27-28
- 5-Rosa maria lastva "Risk-based capital vequivements an their impact upon the banking indsterg Basel II, 2004, p227
- 6-Basel III, capital stability, risk-taking, ownership: Evidence from Asia Pichaphop Chalermchatvichien, Seksak Jumreornvong, Pornsit Jiraporn, 8 September 2014
- 7-Loan pricing under Basel II in an imperfectly competitive banking market
- 8-David Ruthenberg a,b,*, Yoram Landskroner, 11 July 2008
- 9-DID GOOD CORPORATE GOVERNANCE IMPROVE BANK PERFORMANCE DURING THE FINANCIAL CRISIS? Emilia Peni a,b,*, Sami Vähämaa a,b,** August 2009
- 10-Bank size, market concentration, and bank earnings volatility in the US, Jakob De Haana,b,c, Tigran Poghosyand *,4 July 2011
- 11-The Impact of Pillar 3 Disclosure Requirements on Bank Safety (Jukka Vauhkonen; 29 April 2011)

- 12-The impact of contingent liability on commercial bank risk taking (*Benjamin C. Esty; 12 June 1997*)
- 13-The impact of bank ownership concentration on impaired loans and capital adequacy (*Choudhry Tanveer Shehzad; 2010*)
- 14-The credit crisis around the globe: Why did some banks perform better? (*Andrea Beltratti; 2012*)
- 15-Strong boards, CEO power and bank risk-taking (*Shams Pathan; 2009*)
- 16-A Theory of Bank Regulation and Management Compensation (*Kose John; 1998*)
- Risk Management, Corporate Governance, and Bank Performance During the Financial Crisis (*Vincent Aebi; 2010*)
- 17-Implementing Basel III : Challenges, Options & Opportunities (*Pierre-Etienne Chabanel*)
- Governance and bank valuation (*Gerard Caprio; 2007*)
- 18-Effects of the New Basel Capital Accord on Bank Capital Requirements for SMEs (*EDWARD I. ALTMAN; 2005*)
- 19-Determinants of bank profitability before and during the crisis: Evidence from Switzerland (*Andreas Dietrich; 2011*)
- 20-Corporate Governance, Regulation, and Bank Risk Taking (*Luc Laeven; 2007*)
- 21-Corporate control, bank risk taking, and the health of the banking industry (*Ronald C. Anderson; 1999*)
- 22-Basel III: Is the cure worse than the disease? (*Bill Allen; 2012*)
- 23-THE OPTION PRICING MODEL AND THE RISK FACTOR OF STOCK (*Dan GALAI; 1976*)
- Lee, Shiyong,(2005)," Financial Market Development: Does financial liberalization induce regulatory governance reform?",Duke University, Durham, North Carolina.
- 24-Shleifer, Andrei, and Robert W. Vishny, (1997), "A Survey of Corporate Governance," The Journal of Finance, Volume 52 (June), pp. 737-83.
- 25-Allen, Franklin,&Xia Gu and Oskar Kowalewski, (2011),"Corporate governance and intra-group transactions in European bank holding companies during the crisis",World Economy Research Institute Warsaw School of Economics (SGH).
- 26-W AI-Chung Lo and Michael C.M.NG, (2009),"Banking reform and corporate Governance",The Chinese Economy, Vol.42, no.5, September- octobr 2009,pp.21-39. 5)
- 27-Eatwell, John & Lance Taylor (Polity Press: 2000) Global Finance At Risk THE case for international regulation",
- 28-Macey, Jonathan & Maureen O Hara Corporate Governance of Banks Federal Reserve Bank of New York Economic Policy Review 123-141 (April, 2003)
- 29-Berger , Allen N. et al (2005), "corporate governance and bank performance: A joint analysis of the static, selection, and dynamic effects of domestic, foreign, and state ownership",Journal of Banking & Finance 29 (2005) 2179-2221.
- 30-Andres, Pablo de & Eleuterio Vallelado(2008),"Corporate governance in banking: The role of the board of directors", Journal of Banking & Finance 32(2008) 2570-2580.
- 31-Bozec , Y., & Bozec , R.(2007).Ownership concentration and corporate governance practices: substitution or expropriation effects? Canadian Journal of Administrative Sciences / Revue Canadienne des Sciences de l'Administration, 24 (3), 182 ° 195.
- 32-Clark & Worjck.(2005).Financial Valuation of German Model: The Negative Relationship Between Ownership Concentration and stock ,Market Returns,1997-2001. Economic Geograohy. 81(1), 11-29
- 33-Ding , Y., Hua,Y.,&Junxi,Y.(2004).Ownership concentration and earnings management: A Comparison between Chinese Private and State- Owned Listed companies Retrieved from <http://www.commerce.adelaide.edu.au/research>.
- 34- Ding , Y., Hua,Y.,&Junxi,Y.(2007). Private vs State Ownership and Earnings Management: Evidence from Chinese Listed Companies. Corporate Governance: An International Review 15(2),223-238.
- 35-Polsiri, P.(2005).Ownership Concentration and Corporate Distress Prediction: A Literature Survey, Retrired from <http://www.dpu.ac.th/DPUIC>



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی